

قدرت نرم روسیه در خارج نزدیک: ابزارها و چالش‌ها

رضا سیمبر^۱

دانیال رضاپور^۲

نظر به اهمیت قدرت نرم زمانی که این موضوع برای نخستین بار در گفتمان سیاسی ولادیمیر پوتین در فوریه ۲۰۱۲ مورد استفاده قرار گرفت. این موضوع که اکنون بسیار مورد توجه کرملین است از منابع مختلف و گاه متضادی نشأت گرفته است که در روسیه بخش عمده این منابع ماهیت دولتی و رسمی دارد. در این نوشتار علاوه بر تمرکز بر قدرت نرم روسیه نسبت به منطقه خارج نزدیک، تلاش شده است با ارائه چارچوبی متفاوت با مفهوم‌سازی جوزف نای، اهداف کرملین از توسعه قدرت نرم و منابع و ابزارهای قدرت نرم این کشور در خارج نزدیک شناسایی گردد. با بررسی منابع قدرت نرم روسیه در حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست این نتیجه حاصل شد که ارزش‌های سیاسی روسیه در هر سه حوزه قابل ردیابی است. در واقع، هدف این مقاله پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است که منابع و ابزارهای مؤثر قدرت نرم روسیه که باعث نفوذ این کشور در سطح منطقه شده‌اند، چیست؟ محدودیت قدرت نرم روسیه در این منطقه کدام است؟ فرضیه مطرح شده عبارت است از قدرت نرم روسیه در منطقه خارج نزدیک متشکل از زبان و فرهنگ روسیه، رسانه‌های روسی، کلیسای ارتدوکس روسیه، هم‌میهنان روسی و دیپلماسی تجاری است؛ اما نگاهی ابزاری به منابع قدرت نرم در این منطقه راهبردی علاوه بر عدم کارایی و اثرگذاری، باعث تضعیف همگرایی مدنظر روسیه در کشورهای خارج نزدیک شده است. روش نگارش این مقاله توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر گردآوری داده‌های مستخرج از منابع معتبر علمی شامل کتاب‌ها، مقالات علمی-پژوهشی و تارنماهای فضای مجازی می‌باشد.

واژگان کلیدی: روسیه، قدرت نرم، سیاست خارجی و خارج نزدیک.

^۱ نویسنده مسئول، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران. Email: Rezasimbar@hotmail.com

^۲ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران. Email: Danyalrezapoor@gmail.com

مقدمه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و افول قدرت این کشور از سطح جهانی به سطح منطقه‌ای عاملی بود تا نخبگان سیاسی این کشور در سیاست‌های خود تجدیدنظر کرده و عمده توجه خود را به منطقه خارج نزدیک متمرکز نمایند. اگرچه جلوه‌های نفوذ روسیه در این منطقه تا حدودی متفاوت از دوران اتحاد جماهیر شوروی است، اما اصل سیاست نفوذ آن کشور همچنان پابرجا است. به باور فیونا هیل^۱، اگرچه در گذشته به‌ویژه تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بافت اصلی سیاست نفوذ روسیه در میان جمهوری‌های عضو کشورهای مستقل هم‌سود و نیز سابقاً عضو شوروی در اروپای شرقی، نظامی-امنیتی بوده است، هم‌اکنون جلوه غالب این نفوذ، اقتصادی و نرم‌افزارانه است. آلکسی آرباتوف^۲ در این رابطه می‌گوید، براساس باور رایج و گسترده در روسیه، کشورهای خارج نزدیک^۳ پوسته خارجی روسیه را تشکیل می‌دهند که وظیفه آن حمایت از هسته-روسیه- در برابر هر نوع تهدید خارجی و تضمین ثبات و امنیت آن کشور است (کیانی، ۱۳۸۶: ۲-۳ و Makarychev, 2018: 2-3).

بدین ترتیب روس‌ها این منطقه را جز منافع خاص خود می‌انگارند و با وجود تحولات فزاینده منطقه‌ای و بین‌المللی در این نگاه تغییری ایجاد نشده است. همچنین تعبیر مدودیف^۴ از این منطقه به عنوان حوزه منافع ترجیحی^۵ روسیه، گواه آن است که مسکو هرگونه دست‌اندازی قدرت‌های خارجی به خارج نزدیک را همچنان به دیده تهدید می‌نگرد. جهانی‌شدن^۶ با ایجاد تغییر در ماهیت و اشکال قدرت موجب افزایش تاثیر قدرت نرم^۷ بر روند سیاست خارجی کشورها در راستا دست‌یابی به اهداف و منافع ملی شده است. بنابراین بازیگران ملی و بین‌المللی از طریق تحول حادث شده در ماهیت قدرت که موجب افزایش تاثیرگذاری ابزارهای متنوع قدرت شده است و اغلب با تکیه بر انواع نرم قدرت، البته به موازات اشکال سخت آن، اهداف و منافع خود را در حوزه‌های بسیار گسترده‌تر، کارآمدتر و متنوع‌تر دنبال می‌کنند. در همین راستا، فدراسیون روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر

^۱ Fiona Hill

^۲ Arbatoov

^۳ Near Abroad

^۴ Dmitry Medvediev

^۵ Preferential Benefits

^۶ Globalization

^۷ Soft Power

شوروی با توجه به مسائل و معضلات متعددی که در عرصه روابط بین‌الملل با آنها روبه‌رو بوده است و همچنین حیطه روبه‌رشد نفوذ سیاست خارجی خود، ضمن توجه اساسی به برنامه‌ریزی‌های سخت‌افزاری به منظور حفظ جایگاه برتر در سیاست بین‌الملل به اهمیت همه‌جانبه قدرت نرم در عصر انقلاب ارتباطات، پی برده و سعی کرده است به تناسب قابلیت‌ها و توانایی‌ها از این ابزار به منظور اهداف و سیاست‌های خود در عرصه سیاست خارجی بهره‌گیرد و به آنها جامه عمل بپوشاند. نظر به اهمیت قدرت نرم این اصطلاح زمانی که برای نخستین بار در گفتمان سیاسی ولادیمیر پوتین در فوریه ۲۰۱۲ مورد استفاده قرار گرفت؛ در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، پوتین مفهوم قدرت نرم را این‌گونه توضیح داد، "مجموعه‌ای از ابزارها و روش‌ها برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی بدون استفاده از اسلحه، بلکه با استفاده از اطلاعات و سایر اهرم‌های نفوذ" (Putin, 2012).

یک سال بعد، مفهوم قدرت نرم در سند رسمی سیاست خارجی روسیه در تاریخ ۱۲ فوریه ۲۰۱۳ معرفی و تایید شد. همان‌طور که پوتین در مبارزات انتخاباتی گفته بود با استفاده از قدرت نرم، اعمال فشار بر کشورهای همسایه، دخالت در امور داخلی آنها، بی‌ثباتی وضعیت سیاسی کشورها به وسیله دستکاری افکار عمومی کشورهای هدف قابلیت اجرایی خواهد داشت. استنلی فیش^۱، استاد علوم سیاسی دانشگاه برکلی در مورد اهداف پوتین در قبال گسترش قدرت نرم معتقد است، «پوتین قصد دارد، پیامی روشن برای توده‌ها در جامعه بین‌الملل مخابره کند؛ وی در تلاش است، مردم روسیه را به عنوان مردم عادی مثل همه جهانیان قلمداد بکند که از دولت‌های غربی و سازمان‌های غیردولتی نسبت به تبلیغات منفی راجع به رسمیت نشناختن هویت‌های مختلف در روسیه انتقاد دارد. پوتین معتقد است، کلیساها، مساجد و معابد ما هم همانند همه شما بی‌رحمانه مورد حمله لیبرال‌ها قرار گرفته است؛ بنابراین به ما بپیوندید و ما همگی برای حاکمیت فرهنگی و حق زندگیمان به همان اندازه خواهیم ایستاد که برای هم‌زبانان خود در منطقه خارج نزدیک ایستادگی کردیم» (the American Interest, 2018).

رویکرد روسیه نسبت به قدرت نرم به خوبی نشانگر تلاش‌های کرم‌لین برای ریشه‌کن کردن تهدیدهای نرم‌افزاری در داخل کشور و ابزار سیاسی برای همگرایی در منطقه خارج نزدیک و سایر مناطق جهان است. از این‌رو در بحث قدرت نرم به عنوان یکی از ابزارهای بسیار مهم سیاست خارجی در دنیای جهانی‌شده امروز، الگومندی و ابتنای آن بر رویکرد

^۱. Stanley Fish

نظری ضرورتی مضاعف و حیاتی است. اما ضرورت مضاعف الگومندی سیاست خارجی و اهتمام به دست یافتن به چارچوب نظری در حوزه قدرت نرم روسی از یکسو و برداشت هژمونیک و انحصاری از مفهوم قدرت نرم در راستا منافع روسیه و نادیده گرفتن ظرفیت‌های این مفهوم در تحقق اهداف و منافع کشورهای خارج نزدیک از سوی دیگر تماماً موجب شده است، روند تاثیرگذاری قدرت نرم بر کشورهای منطقه انتظارات کرملین را برآورده نکرده باشد.

به‌رغم کاهش تاثیرگذاری منابع قدرت نرم روسیه، دیدگاه روس‌ها نسبت به قدرت نرم نشان‌دهنده این موضوع است که رقابت‌های موجود در خارج نزدیک چنین تصویری را تقویت می‌کند که بدون وجود یک قدرت برتر منطقه‌ای همگرایی در آن شکننده است؛ براین اساس تبیین همگرایی منطقه‌ای در خارج نزدیک نیازمند درک نقش هژمون منطقه‌ای آن است. از همین رو، نقش روسیه در شکل‌دهی ترتیبات منطقه‌ای در خارج نزدیک مهم تلقی می‌شود. روسیه نیز در ارتباط با این منطقه در تلاش است تا با حفظ کشورهای حوزه پیرامونی بر مدار خود مانع از نفوذ و حضور سایر رقبای فرامنطقه‌ای بشود. موفقیت روسیه در پیگیری این هدف به عنوان قدرت برتر نیازمند شرایطی همچون استفاده از قدرت نرم برای جذب کشورهای خارج نزدیک و پاسخ به نیازهای فرهنگی منطقه همگرا شده، تمایل روسیه به ایفای چنین نقشی در منطقه و نیز رضایت کشورهای منطقه از ایفای این نقش است. با توجه به نقش محوری روسیه در منطقه خارج نزدیک این نوشتار به دنبال شناسایی و تبیین منابع و ابزارها و همچنین محدودیت‌های قدرت نرم روسیه در این منطقه راهبردی می‌باشد. در واقع، هدف این پژوهش پاسخ‌گویی به این پرسش است که منابع و ابزارهای مؤثر قدرت نرم روسیه که باعث نفوذ آن در سطح منطقه شده‌اند چیست؟ محدودیت‌های قدرت نرم روسیه در این منطقه کدام است؟ روش نگارش این مقاله توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر گردآوری داده‌های مستخرج از منابع معتبر علمی شامل کتاب‌ها، مقالات علمی-پژوهشی و تارنماهای فضای مجازی می‌باشد.

چارچوب نظری

مفهوم قدرت نرم را جوزف نای^۱ در اوایل دهه ۹۰ میلادی، نخستین بار در ادبیات سیاسی رایج کرد و در دهه‌های اخیر این مفهوم جای خود را در میان ادبیات مهم و اساسی روابط بین‌الملل پیدا کرده است؛ وی معتقد است «در قرن ۲۱، تحت نفوذ انقلاب اطلاعاتی و جهانی‌سازی، منابع و شیوه توزیع قدرت به گونه‌ای عمیق در حال دگرگونی است. بازیگران غیردولتی، قدرتی بیشتر کسب کرده در نتیجه فعالیت‌های وسیع‌تر در خارج از کنترل حتی قدرتمندترین دولت‌ها صورت می‌گیرد». نای بر این باور است که قدرت نرم "نه زور است و نه پول". در قدرت نرم، روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود؛ در این نوع قدرت، جذابیت برای ایجاد اشتراک میان ارزش‌ها و از الزام به همکاری در راستا رسیدن به همه خواست‌ها استفاده می‌گردد (Grix and Kramareva, 2015:3).

قدرت نرم، تبلیغات سیاسی نیست، بلکه مباحث عقلانی و ارزش‌های عمومی را در برمی‌گیرد و هدف اولیه قدرت نرم، تاثیرگذاری بر افکار عمومی در خارج و داخل کشورها است؛ به عبارت بهتر، قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور گفته می‌شود که با به کارگیری ابزاری مانند فرهنگ و با ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳-۴ و Dhanapala, 2018: 7-8).

از دیدگاه نای، اساساً قدرت نرم در یک کشور بر سه منبع تکیه دارد؛ فرهنگ آن کشور؛ ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی. نای در آثار متأخرتر خود از موضع اولیه خود فاصله گرفته و بر این نکته که فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی تنها منابع قدرت نرم نیستند، تاکید دارد. وی معتقد است که منابع اقتصادی نیز می‌توانند هم قدرت نرم و هم قدرت سخت تولید کنند. برخی اوقات در وضعیت متفاوت جهان کنونی، تمایز اینکه کدام بخش از یک رابطه اقتصادی از قدرت سخت و کدام بخش از قدرت نرم تشکیل شده، دشوار است. نکته مهمی که نای در مفهوم سازی خود توجه اندکی به آن دارد، بستر اجتماعی است که زمینه رشد قدرت نرم را فراهم می‌سازد و یا از آن جلوگیری می‌کند. (Aras & Mohammed, 2018:7-8).

اگرچه تعریف نای از مفهوم قدرت نرم افق جدیدی را در فهم پاره‌ای از ابعاد پنهان روابط بین‌المللی از جمله شیوه‌های غیرخشونت‌آمیز و غیراجباری تحت تاثیر قرار دادن

^۱. Joseph Nye

دیگران گشود، اما خود مفهوم قدرت نرم بر مبنای چارچوب نظری توسعه یافته، استوار نیست. از این رو این مفهوم اغلب به عنوان ابزاری توصیفی در راستا تشریح ابعاد غیرمعمول قدرت آمریکا یا جهت فهرست کردن منابع قدرت یک کشور بدون اشاره به سازوکارهای کاربست و اعمال قدرت استفاده شده است. به عبارت دیگر، نای تنها به این نکته اشاره کرد که بین قدرت سخت و قدرت نرم تمایز وجود دارد در حالی که هیچ چارچوب نظری سودمندی را برای فهم سازوکار تولید قدرت نرم از رهگذر استعمال و کاربست منابع قدرت نرم پیشنهاد نداده است. از این رو به واسطه فقدان ارائه چارچوبی نظری برای قدرت نرم از سوی نای، یافتن هر نوع گفتمان یا سیاست قدرت نرم برای کشوری که قصد دارد فراتر از تاکید صرف بر دیپلماسی عمومی، کمک‌های رسمی توسعه‌محور، تقویت نهادهای بین‌المللی و مبادلات فرهنگی حرکت کند، بسیار مشکل است (اسمعیلی، ۱۳۹۶: ۵).

قدرت نرم روسیه در خارج نزدیک

هر دولت و جامعه‌ای برای بقای خود به طرحی پیونددهنده و یک ایدئولوژی سازمان‌دهنده، نیازمند است؛ به عبارت بهتر، دولتی که فاقد این نیروی اتصال‌دهنده باشد در شرایط رقابت‌آمیز بین‌المللی با مخاطراتی بسیار مواجه خواهد شد. اما در مقابل دولتی که ابزارهای فرهنگ، تاریخ، جغرافیا و تمدن خود را در عرصه بین‌المللی بسط داده، سایر ملت را نیز با این طرح‌ها پیوند دهد، می‌تواند به وسیله همگرایی به مراتب قدرتی ماندگار و موثر در صحنه سیاست جهانی داشته باشد؛ برای تحقق این امر بهره‌گیری از قدرت نرم می‌تواند موثرترین روش باشد چراکه قدرت نرم، همواره نتیجه‌ای پایاتر در عین کم‌هزینه‌گی و تاثیرگذاری دارد؛ به عبارت بهتر، قدرت نرم از طریق توانایی کسب مطلوب با استفاده از جاذبه با توجه به نقاط مثبت و دارا بودن تفکر مثبت درباره خود به دست می‌آید؛ در واقع، زمانی قدرت نرم خواهیم داشت که بتوانیم بدون استفاده از زور و فشار فیزیکی بر افکار، اذهان، اندیشه‌ها و تصمیم‌های ملت‌ها و دولت‌های مورد نظر تاثیر بگذاریم (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶). فدراسیون روسیه با اتکا به فرهنگ غنی روسی - ارزش‌های سیاسی و در اختیار داشتن ظرفیت‌های فرهنگی بالا، همواره در پی ارتقا و بهبود جایگاه قدرت نرم خود برای ایجاد همگرایی منطقه‌ای در خارج نزدیک و حتی جهان بوده است. از این رو، بررسی کیفیت اثرگذاری قدرت نرم روسیه که شامل زبان و فرهنگ روسیه، رسانه‌های روسی،

کلیسای ارتدوکس روسیه، هم‌میهنان روسی و دیپلماسی تجاری می‌باشد؛ در ۶ کشور منطقه (ارمنستان، جمهوری آذربایجان، بلاروس، گرجستان، اوکراین و مولداوی)، مسئله اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

- **گستره عملکرد زبان و فرهنگ روسی؛** زبان روسی ابزار بسیار مهمی برای همگرایی و حفظ نفوذ روسیه در خارج نزدیک محسوب می‌شود، زیرا این زبان از زمان اتحاد جماهیر شوروی عامل متحدکننده^۱ مردم در فضای پهناور این بلوک بوده است. از سوی دیگر، اکثر نخبگان کشورهای خارج نزدیک در دانشگاه‌های این کشور مشغول به تحصیل بودند، در موسسات مشابه کار می‌کردند و یا اینکه در ارتش شوروی در حال خدمت بودند (Tsygankoy, 2013: 260). در واقع، جوامع روس زبان، اساس اقدامات روسیه در خارج نزدیک محسوب می‌شوند. بنابراین برای پرورش تفکر طرفدار روسیه در خارج نزدیک، سرمایه‌گذاری و تقویت زبان روسی امری حیاتی به شمار می‌رود. از این‌رو، روسیه جایگاه زبان خود را از طریق همکاری با دانشگاه‌ها و نهادهای آموزشی و پژوهشی منطقه تقویت می‌کند و برای توجیه سلطه خود بر جمهوری‌های خارج نزدیک، ولادیمیر پوتین به ترکیبی از دکتترین امپراطوری روسیه و میراث شوروی روی آورده است؛ به طوری که تبعیت از این تعابیر تاریخی در بسیاری از نهادهای روسیه مشهود است (الوقت، ۸ خرداد ۱۳۹۵).

پوتین در دسامبر سال ۲۰۱۴ میلادی طی فرمانی، محورهای اصلی سیاست‌های حکومت در حوزه زبان روسی و زبان‌های سایر اقوام در فدراسیون روسیه و همچنین ادبیات میهنی در سیاست‌های فرهنگی حکومت را به دستگاه‌های مختلف قوه مجریه ابلاغ کرد. از سرگیری تدریس برخی دروس علوم انسانی از جمله تاریخ ادبیات، فن سخنوری و اصول گفتاری در مدارس و دانشگاه‌ها و همچنین در کتب درسی زبان روسی از جمله مواردی است که در این فرمان بر آنها تأکید شده است (شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی، ۱۳۹۶). با این وجود، نسل جوان به تدریج در حال دور شدن از زبان روسی هستند در جمهوری آذربایجان درصد جوانان مسلط به زبان روسی از ۱۴ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۷ درصد در سال ۲۰۱۵ کاهش یافته است؛ در بعضی دیگر از کشورها (گرجستان) زبان انگلیسی به عنوان زبان مسلط جایگزین زبان روسی شده است (Mkhoyan, 2017: 6).

^۱ Unifying

اگرچه کاهش محبوبیت زبان روسی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آغاز شده بود، اما رخدادهایی همانند انقلاب‌های رنگی، جنگ گرجستان و الحاق کریمه این امر را تسریع کرده است. این روند حتی در بلاروس، نزدیکترین متحد روسیه در میان جمهوری‌های خارج نزدیک به خوبی قابل مشاهده است؛ لوکاشنکو^۱ - رئیس جمهور بلاروس - پس از تحریم سنگین روسیه نسبت به اوکراین، خواهان توجه بیشتر به زبان بلاروسی در مدارس متوسطه شده بود. در آغاز سال ۲۰۱۵ میلادی، نورسلطان نظربایف^۲، رئیس جمهور قزاقستان اعلام کرد همه دانش‌آموزان کشور از اول ابتدایی باید زبان انگلیسی را یاد بگیرند و در دو سال آخر تحصیلی تنها یک زبان خارجی را باید بیاموزند. بعدها سرگئی لاوروف^۳ اعلام کرد که گذار قزاقستان از الفبای سیریلیک^۴ به لاتین، نقض‌کننده حقوق ساکنان روس‌زبان این کشور نمی‌باشد و در روابط دو کشور خللی ایجاد نمی‌کند (MID.ru, 2019/01/16). در حال حاضر ۴ درصد ارمنی‌ها، ۹ درصد گرجی‌ها و ۲۷ درصد آذری‌ها اصلا هیچ دانش پایه‌ای از زبان روسی ندارند (Mkhoyan, 2017:7-8).

مسکو از کاهش اثرگذاری زبان روسی در کشورهای همسایه که باعث کاهش همگرایی منطقه‌ای خواهد شد، ابراز نگرانی کرده است؛ از این رو تلاش‌هایی را برای معکوس کردن این روند آغاز کرده است. تاسیس بنیاد جهان روسی^۵ که یکی از اهداف اصلی این بنیاد تدریس آموزش روسیه در خارج نزدیک است از تلاش‌های کرم‌لین برای حفظ روند نفوذ در کشورهای خارج نزدیک بوده است. از طرف دیگر، زبان روسی زبان سازمان‌های تحت رهبری روسیه در خارج نزدیک از جمله کشورهای مستقل مشترک منافع، سازمان پیمان امنیت جمعی و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی است. برخی از محققین معتقد هستند، حتی اگر این زبان به صورت اجبار در این سازمان‌ها مورد تاکید باشد، دست‌آوردهای آن برای روسیه بسیار زیاد است زیرا به طور غیرمستقیم کشورهای عضو سازمان‌های یادشده برای آموزش متخصصان و به‌دست آوردن دانش فنی باید از زبان روسی در معاملات و تبادلات خود استفاده کنند (Rotaru, 2017:4). روسیه با ترویج زبان خویش مترصد است تا از میراث

1. Alexander Grigoryevich Lukashenko

2. Nursultan Nazarbayev

3. Sergey Lavrov

4. Cyrillic alphabet

5. Russkiy Mir Foundation

زبانی و ادبی خویش در مناطق هم‌زبان یا علاقه‌مند به زبان روسی برای ارتقاء قدرت نرم خویش بهره‌گیرد و منطقه خارج‌نزدیک یکی از این مناطق می‌باشد. برای رسوخ زبان روسی نیز از راهبردهایی نظیر؛ افزایش کنش‌گری مؤسسات فرهنگی در سفارت‌خانه‌های روسیه، برپایی بزرگداشت تاریخی زبان روسی، برنامه‌های تبادل علمی از طریق دانشگاه‌ها، برنامه‌های درسی مشترک، بورسیه و حمایت مالی از محققان و دانش‌آموختگان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و ... بهره‌می‌برد. با بهره‌گیری از ظرفیت‌های زبانی و ادبی موجود در پیشینه تمدنی خویش، روسیه تلاش دارد به بازسازی فضای تمدنی «جهان روسی»^۱ و اقتدار نرم بیرونی دست یابد (Laruelle, 2015:2-15).

فرهنگ مردمی روسیه تولید قدرت نرم و حمایت از گسترش زبان روسی را پشتیبانی می‌کند. فرهنگ غنی روسیه به عبارتی قدرتمندترین ابزار قدرت نرم این کشور است و در میان نخبگان کشورهای خارج نزدیک و حتی کشورهای حوزه بالتیک از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. فرهنگ روسیه شامل موسیقی معاصر، کتاب‌ها، فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی است که دسترسی به این موارد برای مردمان مناطق خارج نزدیک بسیار آسان شده است. این سهولت دسترسی نشان‌دهنده ابزار ارزشمند در سیاست خارجی روسیه است؛ زیرا تولیدات فرهنگی یاد شده نه تنها می‌تواند سرگرمی را به ارمغان بیاورد بلکه می‌تواند حاوی پیام‌های سیاسی باشند (Euronews, 2018/04/13).

به عنوان مثال، فیلم‌های سَبک هری پاتر^۲ و سبک‌های هالیوودی همانند "ببر سفید، استالینگراد، جاده برلین و نبرد برای سواستوپول"^۳ که تولیدشان توسط دولت حمایت شده است، مخاطبان را با ارزش‌های تولید حرفه‌ای قدرت نرم و همچنین پیام‌های واضحی در مورد شجاعت، وحدت و از خودگذشتگی مردمان عصر شوروی نمایان کرده است. در همین راستا، برخی از تحلیلگران معتقد هستند که گفتمان‌های سیاسی تاثیرگذار، امروزه در روزنامه‌ها، بحث‌های پارلمانی و سخنرانی‌های سیاسی بروز نمی‌کند، بلکه در فیلم‌های و بازی‌های رایانه‌ای به وجود می‌آیند (Machin and Van Leeuwen, 2007:109).

1. Russian World

2. Harry pater

3. The White Tiger, Stalingrad, the Berlin Road and the Battle for Sevastopol

فرهنگ معاصر روسیه در خارج نزدیک بسیار گسترده است به طوری که موسیقی روسی به صورت گسترده‌ای از رادیوهای محلی کشورها پخش می‌شود، موسیقی و فیلم‌های روسی در همه مناطق وجود دارند، خوانندگان روسی به اغلب کنسرت‌ها در کشورهای خارج نزدیک دعوت می‌شوند و حتی در مبارزات انتخاباتی این خوانندگان مشهور و حمایتشان از عمده زمینه‌های پیروزی در انتخابات محلی محسوب می‌شود. شبکه‌های تلویزیونی روسیه نیز از طریق شرکت‌های کابلی یا ماهواره‌ای موجود تعامل خوبی با کشورهای منطقه دارند. در مقایسه با رسانه‌های محلی، رسانه‌های روسی از بودجه نسبتاً خوبی برخوردار هستند و می‌توانند هزینه‌های پر زرق و برق برنامه‌های خبری، فیلم‌ها و برنامه‌هایی همچون آپرا را پشتیبانی کنند. علاوه بر سرگرمی ایجاد شده، گسترش ارزش‌های روسی و حفظ سطح معینی از دانش زبان روسی به‌وسیله تحریک نوستالوژیک برنامه‌های ساخته شده مورد استفاده قرار می‌گیرد که این امر باعث افزایش احساسات میهن‌دوستانه در میان روس‌ها و همدلی کشورهای منطقه با سیاست‌های کرملین می‌شود (Rotaru, 2017:5).

استفاده دوگانه از فرهنگ روسی ممکن است به عنوان یک راهبرد موفق در خارج نزدیک محسوب شده و زبان روسی را در فضای شوروی سابق کمتر آسیب‌پذیر کند، اما کشورهای خارج نزدیک این رویکرد روسیه را به عنوان اقدامات مخرب برای زیر سوال بردن هویت اصلی خود قلمداد کرده و در نتیجه معتقدند زبان و فرهنگ روسی به عنوان ابزارهای محوکننده هویت و امنیت ملی کشورشان باعث بدبینی نسبت به همگرایی با روسیه محسوب می‌شوند. پس از جنگ ۲۰۰۸ در گرجستان از مقطع ابتدایی زبان انگلیسی به عنوان زبان اجباری تدریس می‌شود و تنها از کلاس هفتم اجازه آموزش زبان روسی در مدارس آن هم به صورت مشروط داده شده است. به صاحبان رستوران‌های گرجی دستور داده شده که آهنگ‌های روسی را در رستوران‌های خود ممنوع کرده و دوبله فیلم‌های روسی در این کشور را غیرقانونی اعلام کرده‌اند. پس از الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴، قزاقستان تصمیم گرفت تا تدریس زبان انگلیسی را در مدارس خود اولویت‌بندی کند. چنین اقداماتی نه تنها سطح مهارت روسیه در این مناطق را کاهش می‌دهد بلکه جذابیت فرهنگ روسی در خارج نزدیک را به شدت کاهش خواهد داد (Rutland and Kazantsev, 2016).

در مورد جذابیت فرهنگ و زبان روسی می‌توان مدعی بود که روسیه به ویژه تحت زمامداری پوتین درصدد تشکیل یک منطقه منسجم و هم‌گرا در حوزه پسا شوروی یا همان خارج

نزدیک بوده است. اما اقدامات روسیه که عمدتاً تلاش‌هایی از بالا مبتنی بر نهادسازی، انعقاد قراردادهای و پیمان‌ها یا حتی تهدید و اجبار سیاسی و اقتصادی بوده است توفیق چندانی نیافته است و کشورهای خارج نزدیک رویکردهای واگرایانه و استقلال‌طلبانه‌ای از خود نشان داده‌اند. از این رو، روسیه به درستی توجه خود را معطوف به منطقه‌گرایی نرم، اجتماعی و از پایین به بالا کرده است. در واقع روسیه که از طریق قدرت سخت قادر به تشکیل یک منطقه یکپارچه پیرامون خود نبوده، تلاش‌های خود را در حوزه قدرت نرم افزایش داده است. ترویج زبان و فرهنگ روسی به عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های قدرت نرم روسیه، تلاشی در راستای تحقق طرح‌های منطقه‌گرایانه روسیه بوده است زیرا رابطه نزدیک و مستقیمی بین رواج و جذابیت زبان و فرهنگ روسیه در جوامع خارج نزدیک و گرایش‌های کشورهای مذکور در سیاست خارجی وجود دارد. «استقلال زبانی» یکی از سیاست‌هایی بوده است که برخی دولت‌های خارج نزدیک در راستای پاسخ‌گویی به مطالبات اجتماعی استقلال‌طلبی از روسیه اتخاذ کرده‌اند. این در حالی است که محبوبیت فرهنگی و رواج زبان روسی، جوامع خارج نزدیک را به این سمت سوق خواهد داد که دولت‌های خود را به سوی اتخاذ راهبردهایی مبتنی بر نزدیکی بیشتر با روسیه هدایت کنند.

نقش رسانه‌های روسی در خارج نزدیک، انقلاب‌های رنگی، نخبگان سیاسی روسیه را متقاعد کرد که کنترل فضای تبادل اطلاعات یکی از هوشمندانه‌ترین مسیرها برای اطمینان از ثبات داخلی رژیم‌های سیاسی و مدیریت روسیه در منطقه خارج نزدیک خواهد بود. کرم‌لین کنترل اطلاعات و در نتیجه رسانه‌ها را برای حفظ ثبات داخلی رژیم‌های سیاسی، اعتبار و مشروعیت سیستم‌سیاسی، جلوگیری از نفوذ بازیگران خارجی در طبقات متوسط روشنفکر و قشر وسیعی از نویسندگان ضروری می‌داند. با توجه به این منوط از دهه اول قرن ۲۱، کرم‌لین به صورت مستقیم یا غیرمستقیم کنترل بخش عمده‌ای از رسانه‌های منطقه خارج نزدیک را برای همگرایی بیشتر در سیاست‌های کلان به اختیار خود در آورده است (Mastriano and O'Malley, 2015:36)

بنا به گفته جوزف نای اطلاعات قدرت است.^۱ در عصر اطلاعات تنها به برتری ارتش نیاز نیست، بلکه باید شیوه داستان‌سرایی اتفاقات با منافع کشور هدف هماهنگ باشد. پوتین از زمان روی کار آمدن بهره‌مندی از قدرت رسانه^۲ را در کنار توانمندی اقتصادی برای روسیه به‌طور جدی

^۱ Power Information

^۲ Media Power

در دستورکار قرار داد. روسیه از رسانه‌های خود به عنوان اسب تروا^۱ در خارج نزدیک استفاده می‌کند و تلاش دارد تا بازی روسی را جایگزین بازی امریکایی کند (Hamed, 28 aug 2017). تاثیر رسانه‌های روسیه در خارج نزدیک بسیار متفاوت است و با توجه به استفاده از زبان روسی، برنامه‌های خبری و سرگرمی گسترده در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، رسانه‌های روسی یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعات برای بسیاری از شهروندان این منطقه هست. براساس نظرسنجی‌ها در سال ۲۰۱۵ برای ۶۳ درصد از جمعیت مولداوی، تلویزیون منبع مهمی اطلاعاتی است و ۵۳ درصد از جمعیت این کشور به رسانه‌های روسی اعتماد کامل دارند (IPP, 2015).

برخی از روزنامه‌های پرتیراژ روسی نسخه ویژه قابل چاپ در بیشتر کشورهای خارج نزدیک برخوردارند. علاوه بر این خبرگزاری‌های روسی همانند ریانووستی^۲، رگنوم^۳ و اینوسمی^۴ به مثابه دریچه اصلی سیاست جهانی برای روزنامه‌نگاران کشورهای خارج نزدیک است. خبرگزاری اسپوتنیک هم با تاسیس شعبه‌ها و راه‌اندازی ایستگاه‌های رادیویی در خارج نزدیک، موجب تاثیرگذاری بر مردمان این مناطق شده است (Ćwiek-Karpowicz, 2013:28). نیویورک تایمز با اشاره به چشمگیر خواندن رشد کمی و کیفی راشاتودی در سهم‌خواهی روسیه از کیک قدرت^۵ قطب‌بندی‌های منطقه‌ای و آینده جهان، می‌نویسد، راشاتودی یک ابزار و سلاح قدرتمند روسی در دیپلماسی و صحنه‌های درگیری و جنگ به نفع روس‌هاست. علاوه بر رسانه‌های روسی، کرملین از مجموعه رسانه‌های طرفدار روسیه در خارج نزدیک، حمایت کامل مادی و معنوی خود را اعلام می‌کند (Makarychev, 2018:9-10).

ابزارسازی رسانه‌ها توسط روسیه در خارج نزدیک طی مبارزات انتخاباتی کشورهای منطقه و یا زمانی که کشورهای هدف با نادیده گرفتن منافع سیاسی روسیه به دنبال محکوم کردن مداخلات روسیه هستند به خوبی قابل مشاهده است. به عنوان مثال مستند پدرخوانده^۶ در مورد رهبر بلاروس -الکساندر لوکاشنکو- یک نمونه کلاسیک در این زمینه است. پخش تلویزیونی این مستند توسط یکی از شبکه‌های تلویزیونی مهم روسیه قبل از

¹. Trojan Horse

². Ria Novosti

³. Regnum

⁴. Inosmi

⁵. Power Cake

⁶. The God Father

انتخابات بلاروس در سال ۲۰۱۰ و زمانی که لوکاشنکو تمایل زیادی برای ارتباط با اتحادیه اروپا نشان داده بود به انجام رسید. در این فیلم نقض فاحش حقوق بشر در بلاروس و نشان دادن لوکاشنکو به عنوان دیکتاتوری که برای حفظ قدرت خود حاضر به هر راه کاری و با هر هزینه‌ای است، نمایش داده شد (Rotaru, 2014:136).

در اوکراین، حمایت رسانه‌های روسیه در انتخابات سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۰ به یانوکوویچ^۱، رئیس‌جمهور سابق بسیار کمک کرده بود. با این حال، واضح‌ترین ابزار رسانه‌ای توسط کرملین طی بحران اوکراین در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ رخ داد. اهداف اصلی رسانه‌های روسی در ارتباط با بحران اوکراین این بوده است که مقامات کی‌یف را زیر فشار قرار دهند و رویدادها را همسو با اهداف خود بازسازی کنند. عدم توانایی دولت اوکراین در بازپرداخت بدهی‌های این کشور به روسیه، آگاه‌سازی نسبت به خطر غرب‌گرایی روایت هوشمندانه‌ای بود که رسانه‌های روسی طی بحران اوکراین آن را دنبال می‌کردند (Darczewska, 2015:12). فلیپ بریدلاو^۲، فرمانده ارشد وقت نیروهای ناتو رویکرد رسانه‌ای مسکو در جریان بازگرداندن منطقه کریمه به خاک روسیه را حیرت‌انگیز خوانده و معتقد بود، حضور روسیه با کمک شبکه‌های تلویزیونی آن جالب‌توجه‌ترین حمله غافلگیرکننده در یک جنگ اطلاعاتی در تاریخ بود (Hamedi, 28 August 2017). نفوذ رسانه‌های روسی در مناطق بحرانی، موجب شد تا مقامات کی‌یف حدود ۱۴ شبکه تلویزیونی روسیه را از شبکه‌های ملی خود حذف کنند. در سال ۲۰۱۵ مولداوی نیز فعالیت رادیو ۲۴ روسی در خاک خود را به حالت تعلیق در آورد (Rotaru, 2017:7). این واکنش‌ها نشان دهنده به چالش کشیده شدن منابع قدرت نرم روسیه در منطقه خارج نزدیک است.

امروزه رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین کنشگران عرصه سیاست خارجی هستند. چنانکه زمانی پطروس غالی گفته بود سی‌ان‌ان عضو شانزدهم شورای امنیت است و یا سیاست‌مداری آمریکایی گفته بود رسانه‌ها ما را به سومالی بردند و از آن نیز خارج کردند. در همین راستا، هدف اصلی روسیه از تاکید بر رسانه‌ها شکل‌دهی و هدایت افکار عمومی کشورهای خارج نزدیک در راستا پذیرش روایت‌های روسی از پدیده‌ها و بحران‌های بین‌المللی و همگرایی در مسائل راهبردی جهانی بوده است. خبرگزاری اسپوتنیک و تلویزیون راشاتودی به‌رغم اینکه مدت کوتاهی از

¹. Yanukovich

². Flip Bradlow

تاسیس آن‌ها می‌گذرد توانسته‌اند روابط نزدیکی افکار عمومی کشورهای خارج نزدیک برقرار بکنند. به عنوان مثال اسپوتنیک که در سال ۲۰۱۴ جایگزین ریانوستی شد که در همه کشورهای خارج نزدیک خبرنگار دارد و به همه زبان‌های ملی و محلی منطقه تولید محتوا می‌کند؛ توانسته است محبوبیت زیادی مردم به دست آورد. تلوزیون راشاتودی نیز که هدف آن تولید یک برندینگ ملی «ضدهژمونی» از روسیه است توانسته است تبدیل به رقیب مهمی برای تلوزیون‌های ملی و بین‌المللی کشورهای منطقه و به ویژه در بخش اروپایی خارج نزدیک شود و در بحران‌های منطقه تاثیرات تعیین‌کننده‌ای بگذارد. در واقع، رسانه‌های روسیه ابزار انتقال و اعمال قدرت نرم روسیه برای همگرایی بیشتر در حوزه خارج نزدیک هستند بنابراین این کشور در صدد است تا با تولید محتوا درباره مسائل و مشکلات مردم کشورهای خارج نزدیک افکار عمومی مردمان منطقه را در راستای اهداف راهبردهای روسیه مهندسی و جهت دهی کند.

تفوق گفتمانی کلیسای ارتدوکس روسیه در خارج نزدیک

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کلیسای ارتدوکس روسیه^۱ تنها موسسه‌ای بود که صلاحیت خود را در سراسر قلمرو کشور شوراها حفظ کرد. اقتدار این کلیسا توسط بسیاری از معتقدین ارتدوکس در بلاروس، مولداوی و تعداد زیادی از اوکراینی‌ها به رسمیت شناخته شده است. در دیگر جمهوری‌های خارج نزدیک هم کلیساهای ارتدوکس اقلیت‌های روسی زیر نظر کلیسای مسکو قرار گرفته‌اند. ولادیمیر ریژکوف^۲ معتقد است که کلیسای ارتدوکس به شدت در سیاست داخلی و خارجی روسیه تاثیرگذار است و حتی اسقف‌های ارتدوکس به طور فزاینده‌ای به نخبگان حاکم روسیه پیوسته‌اند و پاتریک کریل^۳ به عنوان یکی از چهره‌های تاثیرگذار سیاسی در روسیه محسوب می‌شود. اهداف کلیسای ارتدوکس روسیه در خارج از کشور شباهت بسیار زیادی با اولویت‌های سیاست خارجی روسیه دارد. این کلیسا از ایدئولوژی جهانی روسیه حمایت می‌کند و هدف اصلی آن اتحاد کلیساهای ارتدوکس در خارج نزدیک است که تحت سرپرستی پدرسالاری مسکو قرار بگیرند (Rak, 2017: 8-9 and Ryzhkov, 2015). ملی‌گرایی مبتنی بر ایمان ارتدوکس، منبع ایدئولوژیک کرملین برای اتحاد در روسیه است و روسیه قصد دارد با

¹. Russian Orthodox Church (ROS)

². Vladimir Ryzhkov

³. Patrick Krill

یکپارچه‌سازی کلیسای ارتدوکس نفوذ سیاسی خود را در خارج نزدیک بسط دهد. در همین راستا در ماه مه ۲۰۰۷ با حمایت دولت، شاخه‌ای از کلیسای ارتدوکس روسیه که پس از انقلاب بلشویکی در این کشور به خارج فرار کرده بود، طی مراسمی در مسکو و با حضور پوتین روسیه را پاسدار مسیحیت^۱ عنوان کرد (عسگریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۶). به رغم اینکه روسیه کشوری غیردینی است در مقدمه قانون آزادی عقیده و انجمن‌های دینی^۲ بر سهم ویژه آیین ارتدوکس در تاریخ روسیه تأکید شده است. علاوه بر این رهبران روسیه با دعوت از رهبر کلیسای ارتدوکس در مراسم رسمی، موقعیت این کلیسا را به رسمیت شناخته‌اند. این امر حداقل دو دلیل عمده دارد؛ اولاً، بیش از نیمی از مردم روسیه پیرو این دین هستند و ثانیاً، میان ملت و دولت روس و آیین ارتدوکس پیوند تاریخی برقرار است و این آیین در مقام نیروی وحدت‌بخش اقوام روس ایفای نقش کرده و به یکی از مؤلفه‌های هویتی روس‌تباران در خارج نزدیک تبدیل شده است؛ یعنی کلیسای روسیه یک کلیسای قومی و ملت روس خود را ارتدوکس می‌شناسند (زهرانی و شیرواند، ۱۳۹۶: ۱۸).

با تأکید بر اینکه کلیسای ارتدوکس روسیه حد مرزی را زیر سوال نمی‌برد، پاتریک کریل معتقد است که هسته دنیای امروز روسی متشکل از روسیه، اوکراین و بلاروس است که به وسیله یک ماموریت معنوی در میان سنت‌های فرهنگی روسیه فعالیت می‌کند و خواهان حفظ هویت ملی و یا حداقل حفظ بخشی از هویت ملی است. به همین دلیل کریل معتقد است که مولداوی هم از لحاظ هویتی - فرهنگی بخشی از روسیه است؛ وی در ادامه بیان می‌کند که در قلب جهان روسی، کلیسای ارتدوکس روسیه وجود دارد و چهار کشور روسیه، اوکراین، بلاروس و مولداوی به عنوان یک ملت دیده می‌شوند (Patriarchia.ru, 2009). اما برای فرهنگ پدرسالاری روسی، حفظ نفوذ در خارج نزدیک بیشتر از انگیزه‌های معنوی کلیسای ارتدوکس است و تا زمانی که کلیسای ارتدوکس روسیه صلاحیت خود را در مورد کلیساهای بلاروس، مولداوی و به ویژه اوکراین حفظ کند به عنوان بزرگترین کلیسای ارتدوکس جهان باقی خواهد ماند و کرملین با استفاده از این کلیسا درصدد تاثیرگذاری بیشتر برای همگرایی مناطق خارج نزدیک خواهد بود.

^۱. Christian Guard

^۲. The Law of Freedom of Thought and Religious Associations

در میان هسته جهان روسی، بزرگترین سهم برای پدرسالاری مسکو در اوکراین وجود دارد به طوری که حدود ۷۰ درصد از ۴۵ میلیون نفر آن ارتدوکس هستند. با این حال برای کلیسای ارتدوکس روسی، اوکراین بزرگترین چالش برای حفظ نفوذ در منطقه خارج نزدیک است. زیرا در اوکراین سه نوع مسیحیت ارتدوکس وجود دارند: کلیسای ارتدوکس مستقل اوکراین وابسته به پدرسالاری کی‌یف (۳۲ درصد)، کلیسای ارتدوکس اوکراین تحت صلاحیت پدرسالاری مسکو (۲۵ درصد) و ارتدوکس کلیسای اوکراین (۱ درصد)؛ ۴۰ درصد از مسیحیان ارتدوکس اوکراین خود را تنها ارتدوکس بدون وابستگی به هیچ کلیسای خاصی می‌دانند و ۲ درصد آنها اصلاً نمی‌دانند که کلیسای آن‌ها وابسته به کدام کلیسای ارتدوکس است (Razumkov Center, 2014).

مسکو مصمم است که با کاهش خودمختاری کلیسای ارتدوکس اوکراین تمام کلیساهای را زیر نظر کلیسای مسکو قرار بدهد و با جذب کلیسای مستقل اوکراین به حوزه خود، وضعیت خویش را در این کشور بیشتر تقویت کند. در سال‌های گذشته، احزاب مسکو تلاش‌های بسیاری برای حمایت از دولت اوکراین به منظور فشار به اسقف‌ها و کشیش‌های کلیسای مستقل اوکراین برای بازگشت صلاحیت از کی‌یف به مسکو انجام داده بودند. باید دقت داشت که پایه‌ها و بنیان‌های مذهبی سیاست خارجی فدراسیون روسیه به وضوح قابل لمس است. در این زمینه می‌توان ایده‌های مسیحی ارتدوکسی که سیاست خارجی روسیه را در مورد بحران‌های خارج نزدیک از جمله بحران اوکراین هدایت می‌کند مدنظر قرار داد. در حقیقت با فهم بُعد مذهبی دکترین جهان روسی پوتین، می‌توان با نگاهی عقلانی، تلاش پوتین و همکاران وی را برای ترویج روس‌گرایی در جهان، فهمید (زهرا نی و شیراوند، ۱۳۹۶: ۱۸ و Stent, 2018).

الحاق کریمه به روسیه و جنگ در شرق اوکراین به ضرر کلیسای مسکو در اوکراین تمام شد. این رویدادها موجب شد که کلیساهای مستقل اوکراین با ارائه پیشنهادهای در یک کمیسیون مشترک در ژوئن ۲۰۱۵ صلاحیت ادغام تمام کلیساهای اوکراین زیر نظر کلیسای ارتدوکس محلی را صادر کنند. این امر موجب تضعیف بیشتر کلیسای ارتدوکس مسکو شد. زیرا در سال ۲۰۱۳ م، براساس ارزیابی‌ها تعداد افراد معتقد به ارتدوکس روسی در اوکراین از ۲۸ درصد به ۲۴ درصد کاهش یافته بودند. برای کلیسای مسکو از دست دادن اوکراین یک مسئله بغرنج تلقی خواهد شد. از ۳۰۰۰۰ کلیسای رومی در اوکراین حدود ۱۲۰۰۰ نفر در کلیسای این کشور تحت صلاحیت مستقیم روسیه قرار دارند. از این رو، بدون کلیسای اوکراین، کلیسای

مسکو وضعیت خود را به عنوان بزرگترین کلیسای ارتدوکس و پاتریک کریل تمایلاتش به عنوان رهبر جهان ارتدوکس بر باد رفته خواهند دید (Ryzhkov, 2015).

استفاده ابزاری از نهاد کلیسا متناسب با راهبردهای مسکو در خارج نزدیک همانند بهره‌برداری از رسانه‌های روسی نتیجه بالعکس داشته است. چنین رویکردی منجر به از دست رفتن جذابیت کلیسای مسکو در بین معتقدین ارتدوکس در جمهوری‌های جدا شده از شوروی شده است. به عنوان مثال در اوکراین، داده‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که کلیسای ارتدوکس تحت صلاحیت پدرسالاری مسکو، حدود ۴ درصد از طرفدارانش را بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ از دست داده است و احتمالاً با ادامه حمایت مسکو از مناطق جدایی طلب اوکراین این آمار رو به فزونی خواهد گرفت. حتی در دسامبر ۲۰۱۴ کلیسای ارتدوکس بلاروس با ارائه طرحی به دنبال خودمختاری بیشتر از کلیسای ارتدوکس مسکو بود (Proavoslavie.ru 2015).

به‌رغم افول نقش سیاسی مذهب، هنوز در حوزه قدرت نرم یکی از مولفه‌های مهم محسوب می‌شود. هدف روسیه از توجه به مسیحیت ارتدوکس تاثیرگذاری بر مردم مذهبی بخش اروپایی خارج نزدیک است. در واقع، یکی از مولفه‌های جذب افکار عمومی و همگرایی ارتدوکس‌های خارج نزدیک به ویژه در کشورهای بلاروس و اوکراین تاکید بر اهمیت و نقش تاریخی و دینی کلیسای ارتدوکس روسیه و استفاده از ادبیات مذهبی از سوی مقام‌های روسیه بوده است. به عنوان مثال سخنرانی معروف پوتین در کریمه در ۱۸ مارس ۲۰۱۴ آکنده از مفاهیم و ادبیات معنوی و مذهبی بود. پوتین در این سخنرانی گفت «همه چیز در کریمه از تاریخ و افتخار مشترک ما سخن می‌گوید. این منطقه باستانی خرسونس^۱ است یعنی جایی که شاهزاده ولادیمیر غسل تعمید یافت. قدرت روحی وی در پذیرش مذهب ارتدوکس مبنای اصلی فرهنگ، تمدن و ارزش‌های انسانی‌ای را تعیین کرد که مردمان روسیه، اوکراین و بلاروس را متحد می‌کند». این مسئله نشان می‌دهد که روسیه با بهره‌مندی از جایگاه و نقش تاریخی خود در مذهب ارتدوکس درصدد تاثیرگذاری بر کشورهای خارج نزدیک در اروپای شرقی، جذب افکار عمومی و در نهایت پیشبرد راهبردهای خود برای همسو کردن کشورهای خارج نزدیک، چنانکه در نمونه بحران کریمه اتفاق افتاد، است.

^۱.Khersons

حمایت روسیه از هم‌میهنان روس تبار خارج نزدیک

قانون اساسی روسیه، مفهوم هم‌میهنان را به عنوان شهروندان روسی که در خارج از فدراسیون روسیه زندگی می‌کنند و از لحاظ تاریخی، فرهنگی و حقوقی دارای اشتراکاتی با روسیه هستند، تعریف کرده است؛ در این تعریف شهروندان روسی کشورهای خارج نزدیک جزو هم‌میهنان روسیه قرار می‌گیرند. این تعریف کاملاً مبهم و گسترده است. چرا که از یک هسته مدنی شامل شهروندان روسیه و همچنین افرادی که از نظر فرهنگی، مذهبی و تاریخی نسبت به روسیه علائقی دارند تشکیل شده است؛ به عبارتی این تعریف برگرفته از دوران امپراطوری تزارها بوده است که براساس آن لهستان و حتی فنلاند هم جزو هم‌وطنان می‌باشند. در آخرین تعریف، دایره هم‌میهنان به افرادی که به زبان روسی صحبت می‌کنند و احساسات فرهنگی و معنوی روسیه را برخوردار هستند، اطلاق شده است (Laruelle 2015:94). با توجه به گستردگی و ابهامات این تعریف و انتقادات به عمل آمده از آن، تصمیم‌گیرندگان مصمم شدند تا برای گسترش دامنه توصیفی آن، ایده جدیدی تحت عنوان جهان روسی^۱ ارائه کنند.

اگرچه اصطلاح جهان روسی ارائه‌کننده درک قابل فهم از همه افراد روس‌زبان می‌باشد ولی مفهوم ارزشی از فرهنگ روسی و ماموریت جهانی آن را شامل می‌شود. چنین ایده‌ای در آغاز دهه ۹۰ میلادی و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که فضای جامعه روسیه متأثر از سرخوردگی ناشی از فضای پساجنگ سرد بود، هویدا گشت. اما ایده جهان روسی در آغاز به موازات ایده روس‌های هم‌میهن گسترش یافت که به قدرت رسیدن پوتین نقطه اوج تاکید و ترویج این ایده بوده است؛ از آنجا که تعلق به یک مجموعه فرهنگی - زبانی به عنوان عامل اصلی تعلق به جهان روسی در نظر گرفته شده است، نمی‌توان قلمرو وسیعی را برای آن متصور بود. همین ویژگی این امکان را به دولت خواهد داد تا اهداف سیاست خارجی خود را بر اساس حفاظت از منافع هموطنان در گستره وسیعی از شهروندان سایر کشورهای خارج نزدیک ترسیم کرده و به گونه‌ای منعطف آن را با تغییر اوضاع انطباق دهد. پوتین که در سخنرانی مجمع هموطنان ساکن در خارج از روسیه از این دیدگاه حمایت کرده بود و واژه هم‌میهن - را صرفاً یک اصطلاح حقوقی در نظر نگرفته بود، تلاش

^۱. Russian world

کرد تا ایده جهان روسی را فراتر از مرزبندی‌های جغرافیایی و نژادی در روسیه تبیین و بر پیوندهای زبانی و قومی مورد تاکید قرار دهد (عطائی و هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۲).

حمایت هم‌میهنان توسط مقامات روسی از زمان جنگ گرجستان در سال ۲۰۰۸ به جدیت شروع شده است. در سپتامبر ۲۰۰۸، مدودیف رییس جمهور وقت روسیه، ضمن اصلاح مفهوم هم‌میهنان در ماه می ۲۰۱۱ صندوق حمایت حقوقی از این افراد را تاسیس کرد. کرملین قصد داشت نفوذ خود را در خارج نزدیک از طریق دیاسپورای هم‌میهنان روسی در این منطقه افزایش دهد. نگرش روس‌ها به این اقشار بیشتر از نوع ملی‌گرایی است. استمرار این نگرش زمینه نگرانی دولت‌های خارج نزدیک را به همراه داشته است (Ćwiek-Karpowicz, 2012:8). در همین راستا از اوایل قرن ۲۱، روسیه تلاش کرده است سازوکارهای تابعیت دوگانه را با کشورهای خارج نزدیک ایجاد کند؛ و به‌رغم مخالفت بیشتر کشورهای منطقه کرملین به سیاست‌های غیررسمی خود برای ارائه گذرنامه به ویژه به جمعیت مناطق مورد مناقشه خواهان استقلال روی آورده بود.

به طور کلی شهروندی به افرادی داده می‌شود که در یک کشور اقامت دارند، اما با این حال، قانون شهروندی روسیه به تمام شهروندان کشورهای خارج نزدیک اجازه می‌دهد تا برای اقامت دائمی یا موقت در روسیه درخواست دهند. این قانون در سال ۲۰۰۹ لغو شد. اما در آوریل ۲۰۱۴ و یک ماه بعد از الحاق کریمه، پوتین قوانین ساده و سریع‌تری برای اعطای تابعیت به افرادی که به زبان روسی صحبت می‌کنند به امضا رساند. براساس قانون جدید افرادی که حداقل یکی از اجدادشان روسی بوده و از امپراطوری روسیه و اتحاد جماهیر شوروی اجازه اقامت دائم دریافت کرده بودند و یا کسانی که به هر نحو در قلمرو روسیه زندگی می‌کردند، می‌توانستند در زمره شهروندان روسیه به حساب آیند. این ساده سازی قوانین شهروندی سوءبرداشت کشورهای خارج نزدیک را افزایش داده بود.

در نوامبر ۲۰۰۹، کرملین با اصلاح شیوه دفاع از مرزهای خود، قانونی را تصویب کرده است که براساس آن عملیات نیروهای مسلح فدراسیون روسیه فراتر از مرزهای سرزمین این کشور و برای محافظت از شهروندان روسی در کشورهای مورد حمله مسلحانه الزامی است. از سوی دیگر، روسیه واژه "حق شهروندی" را به صدها هزار مهاجر کارگری از جمهوری‌های شوروی سابق اعطا کرده است؛ بدون آن که این افراد گذرنامه خود را از کشور خودشان تسلیم کنند. بر طبق اطلاعات غیررسمی، برخی از مردم اوستیای جنوبی دارای گذرنامه روسی هستند. ساکنان کریمه سال‌ها قبل

از انحلال این شبه جزیره روسیه شهروندی داده شده است، اگرچه قانون اوکراین اجازه نمی‌دهد شهروندی دوگانه باشد (Laruelle, 2015:12) بسیاری از ساکنان آبخازیا^۱ و ترنسستری‌ها^۲ دارای گذرنامه روسی هستند. به گفته منابع روسی، ۲۰۰،۰۰۰ از ۵۰۰،۰۰۰ ساکنان دودنیستری^۳ دارای تابعیت روسی هستند (Coynash, 2015).

بهره‌برداری از سیاست‌های تابعیتی و بسیج هم‌میهنان در جمهوری‌های خارج نزدیک از جمله اقداماتی هستند که ممکن است مشارکت واقعی دولت‌های حاضر در این مناطق را با روسیه مختل کند. حمایت از هموطنان روسی که در خارج نزدیک زندگی می‌کنند، ممکن است زمینه عدم‌همکاری و اعتماد متقابل بین کشورهای هدف و روسیه و در نتیجه بی‌اعتمادی به شهروندان روسی در کشورهای منطقه را به همراه داشته باشد. در سال ۲۰۱۲، هنگامی که پارلمان اوکراین قانونی را تصویب کرد که به موجب آن هر زبان محلی که حداقل ۱۰ درصد اقلیت را به رسمیت شناخته باشد به رسمیت شناخته شدن در آن منطقه مقرره مطابق با حقوق جهانی اقلیت، اعلام شود. پس از آن، صدها نفر اوکراینی در کی‌یف برای اعتراضات خیابانی علیه این قانون تظاهرات کردند. آنها این لایحه را تهدید به حاکمیت اوکراین نامیدند و ادعا کردند که به این ترتیب زبان روسی به یک زبان رسمی دولت در شرق اوکراین تبدیل خواهد شد و نیمی از کشور را به طرف روسیه هدایت خواهد کرد. سپس در ماه فوریه ۲۰۱۵، وزارت امور خارجه اوکراین اعلام کرد که شروع به تحریم‌عملیه‌های دارایی‌های افرادی با تابعیت دوگانه می‌کند که یک اقدام ویژه برای هدف‌گیری شهروندان اوکراین با گذرنامه‌های روسی بود (Grigas, 2016).

جمعیت ۳۰ میلیون نفری دیاسپورای روسی یکی از مهم‌ترین محورهای سیاست خارجی روسیه در خارج نزدیک پس از فروپاشی شوروی بوده است. روسیه از روس‌زبان‌های خارج نزدیک روسیه به چند طریق بهره می‌برد. اول اینکه در تمامی اسناد مربوط به امنیت ملی و سیاست خارجی روسیه حفاظت از جان و منافع روس‌های خارج از کشور جزء منافع حیاتی روسیه تلقی شده است. دوم اینکه، روسیه با حیاتی تلقی کردن حفاظت از جان مردمان روسی خارج نزدیک استفاده از هر ابزاری را برای دستیابی به هدف راهبردی خود

1. Abkhazia

2. Transistors

3. Dudnisty

مجاز می‌داند. این مسئله چه در زمانی که جان روس‌ها با خطر واقعی و فوری مواجه بوده است همچون بحران گرجستان در سال ۲۰۰۸ و چه در زمانی که این خطر چندان هم واقعی نبوده است همچون بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، مولفه‌ای شده است که روسیه در کشورهای همسایه به دخالت‌های سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی بپردازد و سوم اینکه، روس‌های خارج نزدیک به ویژه در کشورهایی همچون اوکراین یا قزاقستان که تعداد و نسبت آن‌ها زیاد است، یکی از عوامل روی کار آمدن دولت‌های روس‌گرا و همسو با روسیه بوده است. لذا روسیه با تاکید بر حمایت و دادن مزایا به روس‌های خارج نزدیک سعی در جذب آنان، تاثیر بر رفتار انتخاباتی و نیز ترغیبشان به فشار بر دولت‌های خود برای اتخاذ رویکردهای همسویانه و همگرایانه با روسیه بوده است.

دیپلماسی تجاری روسیه در خارج نزدیک

دیپلماسی تجاری روسیه به اعمال آگاهانه برای حضور و نفوذ در خارج نزدیک از طریق کانال‌های تجاری اشاره دارد. این امر مستلزم ایجاد روابط مثبت با تجار محلی و افزایش جذابیت اقتصادی در کشورهای خارج نزدیک می‌باشد. روسیه دارای مزایای چشم‌گیری در این زمینه است؛ بسیاری از نخبگان تجاری کشورهای منطقه، جزو اعضای سابق نومانکلاتورا^۱ شوروی بودند، برخی از منابع و ساختارهای اقتصادی کشورهای منطقه متعلق به این افراد است که از نظر اقتصادی به کرملین وفادار هستند (Grigs, 2012: 11). منابع طبیعی روسیه، بازار بزرگ برای کالاهای مصرفی، نزدیکی جغرافیایی با کشورهای منطقه عاملی بوده تا کسب و کارهای تجاری منطقه به سوی روسیه هدایت شود. علاوه بر نزدیکی جغرافیایی، آگاهی از وضعیت روسیه و اسکان دادن و تدریس مهاجران غیرقانونی در مدارس و سیستم بدون روایت که اکثریت کشورهای نزدیک به روسیه را شامل این قانون کرده است، بازار روسیه را برای نیروی کار خارج نزدیک جذاب‌تر نموده است. طبق آمار رسمی سرویس مهاجرت روسیه در ژوئن ۲۰۱۵، بیش از ۲,۵ میلیون که شامل کودکان تا بازنشستگان فقط

۱. Nomenclatura

- گروهی از افراد در اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق بودند که سمت‌های مدیریتی مهم و گوناگونی در همه عرصه‌های کشور خود همچون دولت، صنعت، کشاورزی، آموزش و ... داشتند و جایگاه‌شان را تنها با تایید حزب کمونیست کشور یا منطقه خود به دست می‌آوردند.

از اوکراین به این کشور مهاجرت کرده‌اند؛ ارمنستان حدود ۵۲۵ هزار نفر؛ جمهوری آذربایجان ۵۴۳ هزار نفر، بلاروس ۵۵۳ هزار نفر، گرجستان حدود ۳۱ هزار نفر و مولداوی با ۵۴۵ هزار نفر در صدر مهاجرین به روسیه بوده‌اند. با این حال باید این موضوع را در نظر داشت که همه این افراد کارگر نیستند و ممکن است شامل کودکان، دانش‌آموزان، سالمندان، زنان و حتی پناهندگان از شرق اوکراین و مناطق خودمختار اوستیا هم باشند.

اگرچه مسکو بر جوانب اقتصادی قدرت نرم خود در سیاست‌گذاری‌های خود در فضای پسا شوروی تاکید می‌کند. به عنوان نمونه مسکو به منظور ایجاد اتحادیه گمرکی و انجام طرح‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا تلاش کرد که خود را در کشورهای خارج نزدیک به عنوان قدرت اقتصادی جذابی تبلیغ کند (منبع سرمایه‌گذاری، فراهم کننده معتبر انرژی، بازاری امیدبخش برای کالاهای مصرفی و نیروی کار خارجی). حتی مسکو پیش از بحران اوکراین توانست کشورهای اتحادیه اروپایی را متقاعد کند که به جای منبعی برای مشکلات اجتماعی - اقتصادی شدید برای همسایگان اروپایی، می‌تواند شریک اقتصادی قابل اتکایی باشد. روسیه با طرح خط لوله بالتیک^۱ در سال ۲۰۰۱ و خط لوله نورد استریم^۲ در سال ۲۰۱۱ موضع خود را به عنوان فراهم کننده انرژی به اروپا تقویت کرد (Makarychev, 2018: 6-7).

برای روسیه، نخبگان تجاری کشورهای خارج نزدیک نقش مهمی در پیشبرد سیاست‌های اقتصادی کرملین برخوردارند زیرا آنها نه تنها از موضع اقتصادی روسیه در این کشورها دفاع می‌کنند، بلکه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در سیاست محلی با لابی‌گری و تامین مالی احزاب سیاسی برای حمایت از منافع سیاست خارجی روسیه در منطقه مشارکت می‌کنند. بنابراین مسکو توجه خاصی به همکاری نخبگان تجاری در شبکه‌های اقتصادی خارج نزدیک می‌دهد که این توجه به طور عمده به وسیله رشوه، مشوق‌های مالی و جذابیت شبکه‌های روسی به جای یک فرهنگ تجاری مبتنی بر بازار، براساس حمایت به جای رقابت، حفاظت و تهدید کردن به جای درک قوانین تحقق یافته است (Sherr, 2013:14).

برای بسیاری از بازرگانان محلی، روسیه لزوماً یک شریک قابل اعتماد نیست؛ با این حال، آنها با روش روسیه برای انجام کسب و کار آشنا هستند و همسایگان نزدیک خود را نسبت به کشورهای غربی ترجیح می‌دهند. علاوه بر این عدم شفافیت معاملات تجاری به ویژه

^۱. Baltic Pipeline

^۲. Nord Stream Pipeline

با شرکت‌های انرژی روسیه، نخبگان محلی را به ثروت‌های هنگفت که اغلب به ضرر کشورهای منطقه بوده را منتفع کرده است. بنابراین لابی تجاری روسیه و دیپلماسی تجاری اغلب بر اقتصاد ملی و حاکمیت کشورهای خارج نزدیک تاثیر می‌گذارد و منافع اصلی این کشورها را تهدید می‌کند. فهم روسیه از لابی‌گری اساسا با ادراک غربی متفاوت است. در حالی که برای لابی‌گران غربی این مورد از طریق متقاعد کردن مردم از طریق استدلال و جذابیت است؛ برای لابی‌گران روسی روند کلی آن‌گونه است که پول را به عنوان هسته اصلی، عامل حیاتی برای متقاعد کردن مردم فرض می‌کنند و با این فکر که همه افراد قیمتی دارند به دنبال افزایش نفوذ خود در منطقه هستند (Lough et al. 2014:7). روسیه منابع زیادی را برای تاثیرگذاری بر جوامع خارج نزدیک هزینه کرده است و در جاهایی همانند متقاعد کردن نخبگان قرقیزستان برای پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیایی موفق عمل کرده است.

روابط اقتصادی روسیه با جمهوری‌های استقلال یافته به جای پیروی از بازار آزاد معمولا از سازوکارهای سیاسی پیروی می‌کند؛ بنابراین این بی‌ثباتی و عدم اطمینان در همکاری‌های تجاری منجر به کاهش جذابیت منابع اقتصادی می‌شود. در این زمینه ابزارسازی روسیه از منابع انرژی یک مثال کلاسیک است. به خصوص از سال ۲۰۰۳، شرکت‌های انرژی تحت کنترل دولتی روسیه با افزایش، کاهش یا متوقف کردن صادرات خود به خارج نزدیک این رویکرد را به عنوان راهی برای جبران یا تحمیل رفتار کشورهای دریافت کننده تلقی کردند. منازعات گازی ۲۰۰۵-۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ و بیشترین تاثیر را بر کشورهایی که در برنامه مشارکت شرقی اتحادیه اروپایی^۱ (EP) شرکت داشتند، گذاشته بود؛ با این حال، آنها همچنین بر جذابیت و اهرم روسیه به عنوان تامین کننده انرژی در خارج نزدیک معترف هستند. از سال ۲۰۰۶ (به خصوص گرجستان) و سال ۲۰۰۹ (اوکراین و مولداوی)، کشورهای خارج نزدیک تلاش‌های زیادی را برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی خود انجام داده‌اند. بنابراین، گرجستان پس از مدت‌ها وابستگی به گاز روسیه را تا حدود ۱۰ درصد کاهش داده است (Kapanadze, 2015:170).

مسکو در قبال کشورهای خارج نزدیک، محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های اقتصادی را به عنوان ابزار سیاسی برای تحمیل رفتار همسایگان خود مورد استفاده قرار داده است. با این حال، حتی اگر این راهبرد بتواند مزایای کوتاه مدت را به ارمغان بیاورد، جمهوری‌های

^۱. EU Eastern Partnership Program

جدا شده از شوروی را تحت فشار قرار داده است تا تلاش‌های بازرگانی و بازاریابی خود را به نفع همگرایی با اتحادیه اروپایی و بازارهای جهانی دیگر تسهیل کنند و این امر باعث تضعیف جذابیت درازمدت بازار روسیه برای کشورهای منطقه خواهد شد. به طور کلی از زمان شوروی تاکنون عمده‌ترین مشکل روسیه در هم‌گرا کردن کشورهای خارج نزدیک چه در قالب یک سیستم شورایی و چه در قالب طرح‌های منطقه‌گرایانه ضعف‌های اقتصادی این کشور بوده است؛ چنانکه فروپاشی شوروی نیز اصولاً به دلیل مشکلات اقتصادی روسیه رخ داد. هم‌اکنون بزرگترین رقبای اقتصادی روسیه در سطح قدرت نرم اقتصادی چین و اتحادیه اروپا هستند که توانسته‌اند در میزان مبادلات اقتصادی و تجاری روسیه را جا بگذارند. تلاش‌های روسیه در قالب‌هایی همچون مجمع اقتصادی اوراسیا، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اتحادیه گمرکی اوراسیا و مانند آن در راستای پر کردن خلا مذکور بوده است. هرچند همان‌طور که در مورد بحران اوکراین مشخص شد تلاش‌های روسیه چندان قرین موفقیت نبوده است، اما روسیه دریافته است که همگرایی‌های سیاسی و امنیتی‌ای که در رابطه با خارج نزدیک مد نظر روسیه است با واگرایی اقتصادی کشورهای نزدیک و گسترش روابط آن‌ها با قدرت‌های بزرگ خارج از مجموعه منطقه‌ای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ناسازگار است. از این روسیه تلاش می‌کند تا با درگیرسازی کشورهای منطقه از طریق تشکیل نهادها، پیمان‌ها و حتی دادن امتیازاتی همچون اعطای وام و یا تخفیف در حوزه انرژی یک منطقه همگراتر و منسجم‌تر تشکیل دهد.

به طور کلی اولویت روسیه بر رویکرد دولتی به قدرت نرم و درگیری‌های عمیق نسبت به ساختارهای جامعه مدنی مستقل حکایت از این دارد که دولت به مثابه چیزی بزرگتر از نگهبان شب^۱ است که ایده‌آل لیبرال‌ها و به معنای یک نهاد سیاسی با وظایف و کارکردهای محدود می‌باشد. در این فرهنگ، دولت به عنوان «ستون فقرات تمدن، ضامن یکپارچگی و موجودیت جامعه، تشکیل دهنده تمام زندگی» تصور می‌شود. حتی امروزه، قدرت دولتی نهاد ریاست جمهوری برای اقدامات و ابتکارات سیاسی از پایین و از بدنه جامعه انتظاری ندارد و همچون گذشته ابتکار عمل در این کشور، ایجاد نهادها، جامعه مدنی و تغییر شکل نظام سیاسی حزبی بنا به صلاحدید طبقه حاکم و دولتمردان «از بالا» تحقق می‌یابد (کرمی و کرامتی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۶). زیرا مسکو معتقد است که نهادها، قدرتمند غیردولتی تنها به عنوان تهدیدی برای رژیم و

^۱. Night Watch

همچنین به عنوان وسیله مخفی کشورهای غربی برای استفاده از قدرت نرم به عنوان یک راهبرد برای نفوذ به کشورهای هم‌مانند روسیه خواهد بود. ویلسون معتقد است که رویکرد رهبری روسیه نسبت به قدرت نرم دارای مشترکات زیادی با رویکرد چینی دارد که منعکس کننده وضعیت مشترک آنها به عنوان رژیم‌های اقتدارگرا با میراث مارکسیست-لنیسیست است (Wilson, 2015).

بنابراین، یکی دیگر از نقض‌های قدرت نرم روسیه دولتی بودن آن است زیرا در جهان امروز، اطلاعات کمیاب نیست، بلکه این توجه است که کمیاب بوده و به اعتبار بستگی دارد. تبلیغات دولتی معمولاً فاقد اعتبار هستند؛ حتی بهترین تبلیغات هم، تبلیغات ساختگی محسوب می‌شوند و نه واقعی. به عنوان مثال روتلند و کازانتسوف معتقد هستند که رهبران کرملین درک اشتباهی از ماهیت قدرت نرم دارند و مسکو به‌رغم تلاش برای ساختار بندی ماهیت دولتی قدرت نرم طی چند سال اخیر به موفقیت‌های قابل توجهی دست نیافته است؛ زیرا سرمایه‌گذاری صدها میلیون دلاری در طرح‌های مختلف قدرت نرم در خارج نزدیک همانند تقویت رسانه‌های منطقه‌ای (راشاتودی) با تهاجم نظامی فدراسیون روسیه به گرجستان ۲۰۰۸ و اوکراین ۲۰۱۴ رو به افول گذاشت (Rutland and Kazantsev, 2016).

به نظر بسیاری، حساسیت مسکو نسبت به خارج نزدیک و استفاده از قدرت نرم برای همگرایی بیشتر در منطقه به شکل‌گیری عملی دکترین مونروئه روسی^۱ انجامیده است. این دکترین، تضمین دست برتر مسکو در تحولات منطقه را غایت خود می‌داند. اما این خواسته روسیه به وسیله قدرت نرم با مقاومت و مزاحمت‌هایی روبروست؛ زیرا از یک سو، روسیه به‌رغم برخورداری از منابع عظیم قدرت نرم با ماهیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، نگاهی نظامی-امنیتی به این منابع دارد. از طرف دیگر، مسکو اغلب قادر به استفاده از این منابع به شیوه صحیح و منسجمی نیست که این سیاست باعث استقلال‌خواهی بیشتر کشورهای خارج نزدیک شده است. همان‌طور که نای اشاره می‌کند: روسیه برای موفق شدن نیازمند هماهنگی گفتار و کردار در سیاست‌گذاری‌های خود، خودانتقادی و آزادسازی استعدادهای کامل جوامع مدنی خود است.

^۱ Russian Monroe Doctrine

نتیجه‌گیری

منطقه خارج نزدیک عمق ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک روسیه محسوب می‌شود و به همین سبب کنش‌های درونی منطقه با حضور روسیه به عنوان هژمون منطقه و با یک نگاه سرزمینی جهت حفظ مناطق پیرامونی خود با ابزارهای نرم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مشوق‌هایی چون مشارکت آنها در اتحادیه‌های اقتصادی و امنیتی سال‌ها در جریان بوده و ادامه دارد. زیرا روسیه به عنوان هژمون منطقه‌ای با کارویژه فرهنگی-سیاسی و اقتصادی در چارچوب اتحادیه‌ها و راهبردهای منطقه‌ای هرگونه نفوذ در مرزهای امنیتی را تهدیدی برای خود دانسته و برای پاسخ‌گویی به آن اقدامات متفاوتی را در پیش گرفته است.

مقاله حاضر به بررسی و شناسایی منابع، ابزارها و محدودیت‌های قدرت نرم روسیه در خارج نزدیک با هدف دستیابی به ویژگی‌های راهبردی قدرت نرم روسیه در این منطقه و به طور ویژه در شش کشور مذکور بوده است. به عنوان دست‌آوردها این مقاله با بررسی منافع این کشور در حوزه‌های مختلف نشان داده است که روسیه برای همگرایی منطقه‌ای دارای قدرت نرم بالقوه‌ای در خارج نزدیک است؛ تاریخ مشترک، زبان روسی، هم‌میهنان، کلیسای ارتدوکس، دیپلماسی تجاری و فرهنگ پرطرفدار روسیه باید به طور نظری جذابیت و همگرایی را در جمهوری‌های خارج نزدیک افزایش دهد. با این وجود در پاسخ به سوال دوم تحقیق باید بیان کنیم که این منابع اغلب موفق به انجام این کار نشده‌اند زیرا در خارج نزدیک، سیاست توسعه‌طلبانه روسیه در قبال منطقه که ریشه در تاریخ گذشته آن دارد، زمینه نوعی ترس از سیاست‌های منطقه‌ای این کشور را به وجود آورده است. به گونه‌ای که این ترس تاریخی سبب شده است تا جمهوری‌های تازه استقلال یافته نسبت به اهداف و برنامه‌های قدرت نرم روسیه در منطقه به دید تردید در حفظ استقلال خود بنگرند. بنابراین عدم اعتماد برخی از کشورهای منطقه نسبت به اهداف و نیت‌های بلند مدت روسیه، آرزوی آنها برای دستیابی به استقلال کامل از مسکو و ترس از احیای مجدد امپریالیسم سنتی روسیه، یکی از مهم‌ترین موانع روسیه در مسیر همگرایی کامل به شمار می‌رود.

روسیه با استفاده از قدرت نرم، نه تنها انگیزه همسایگان را برای همکاری گسترده در خارج نزدیک ترغیب نکرده است، بلکه با افزایش بی‌اعتمادی و دخالت‌های نابه‌جا در منطقه؛ هموطنان روس به عنوان سفیران فرهنگی را به سوظن در مناطق اقامتی خود مواجه کرده است؛ زیرا مسکو به بهانه حفاظت از روس‌ها در خارج نزدیک در زمان حمله به

گرجستان و الحاق کریمه با اعطای گذرنامه روسی به این مناطق، خودمختاری بخشی از کشورهای گرجستان و اوکراین را به رسمیت شناخت. از این‌رو، جمهوری‌های خارج نزدیک سعی کردند تابعیت دوگانه را محدود و استفاده از زبان روسی را در فضای عمومی محدود کنند. شیوه‌ای که در آن مسکو از تاریخ مشترک و فرهنگ برای همگرایی میان کشورها حمایت می‌کند، اغلب به عنوان یک تهدید جدی برای هویت ملی جمهوری‌های خارج نزدیک در نظر گرفته می‌شود. که در نتیجه به دنبال راه‌هایی برای از بین بردن هویت روسی هستند (به عنوان مثال، باز کردن موزه اشغال شوروی در گرجستان؛ تصمیم مولداوی به رسمیت شناختن روز اروپا در ۹ مه ۲۰۰۹ همراه با روز پیروزی، امتناع از حضور در مراسم نظامی ۹ مه در مسکو). از طرف دیگر، ابزارسازی رسانه‌های جمعی در بعضی از کشورهای خارج نزدیک عاملی برای جلوگیری از پخش شبکه‌های تلویزیونی روسیه و ممنوع کردن روزنامه‌نگاران روس در ورود به سرزمین‌هایشان منجر شده است. بنابراین، باید خاطرنشان کرد که رویکرد دولتی و ابزاری به قدرت نرم در خارج نزدیک با توجه به ماهیت متفاوت قدرت نرم نسبت به قدرت سخت، نتایج منفی برای همگرایی مورد نظر کرملین به بار آورده است. در عوض استفاده از مزایای طبیعی در فضای شوروی سابق - همانند یک تاریخ مشترک و نزدیکی جغرافیایی، فرهنگی و زبانی - به عنوان منابع قدرت نرم علاوه بر افزایش جذابیت روس‌ها در خارج نزدیک باعث همگرایی بیشتر در این منطقه خواهد شد.

منابع و مأخذ

- اسمعیلی، مرتضی (۱۳۹۶)، "الگوی بومی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای قدرت سازی بازیگران منطقه‌ای"، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۴، زمستان: ۸۵۳-۸۷۱.
- زهرانی، مصطفی و شیراوند، صارم (۱۳۹۶)، "بررسی تاثیر فرهنگ استراتژیک بر سیاست خارجی روسیه"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۷ بهار: ۱۰۳-۱۳۷.
- سادات الوند، مرضیه و عسگر خانی، ابومحمد (۱۳۹۷)، "قدرت نرم چین در آفریقا: تحلیلی فراسوی مفهوم سازی نای"، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی شهرضا، شماره ۳۴ بهار: ۱۱۹-۱۵۰.
- شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی (۱۳۹۶)، "زبان ملی و قدرت نرم"، قابل دسترسی در: [Http://Npps.ir/ArticlePreview.aspx?id=182055](http://Npps.ir/ArticlePreview.aspx?id=182055)
- عسگریان، عباسقلی، تاجیک، علی و نوروزی، رحیم (۱۳۹۶)، "بررسی دیپلماسی عمومی روسیه در آسیای مرکزی (۲۰۰۰-۲۰۱۶)"، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال اول، شماره ۲، پاییز: ۱۷۸-۱۵۳.
- عطایی، فرهاد و شهیدانی هدایتی، مهدی (۱۳۹۲)، "روند تحول قدرت نرم در سیاست خارجی روسیه (۲۰۰۰-۲۰۱۳)"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۴، زمستان: ۱۰۱-۱۲۵.
- عیوضی، محمد رحیم، نوازانی، علی و علی محمدی، فریبا (۱۳۹۵)، "قدرت نرم ج.ا. ایران و جریان‌های سیاسی شیعه غرب آسیا"، دو فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان: ۱-۲۸.
- کرمی، جهانگیر و کرامتی‌نیا، رقیه (۱۳۹۶)، "فرهنگ سیاسی روسیه: ریشه‌ها، ابعاد و پیامدها"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۹، پاییز: ۱۵۵-۱۸۸.
- کیانی، داوود (۱۳۸۶)، "سیاست نفوذ روسیه در اوکراین، واکنش اتحادیه اروپا"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۷، بهار: ۷۱-۱۰۴.
- الوقت (۱۳۹۵)، "راهبرد روس ها در مناطق مورد مناقشه؛ از قدرت نرم تا حمله"، قابل دسترسی در:

[Http://Alwaght.com/fa/News/](http://Alwaght.com/fa/News/)

- Aras, Bulent & Zulkarnain Mohammed (2018), "The Turkish Government Scholarship Program as a Soft Power Tool", Turkish Studies, Available at: <https://doi.org/10.1080/14683849.2018.1502042>, Published online: 22 Jul 2018.
- Cwiek-Karpowicz, Jarosław (2012), "Limits to Russian Soft Power in The Post-Soviet Area", *DGAPanalyse*, NO. 8, July, German Society for Foreign Policy, Berlin, Accessed on: 15.03.2013.

-
-
- Darczewska, Jolanta (2015), "The Devil is in The Details: Information Warfare In the Light Of Russia's Military Doctrine", *OSW Point Of View* No. 50. Center for Eastern Studies, Warsaw. Published online: 22 Dec 2016
 - Euronews (2018/04/13), "Russia: Cultural 'Soft Power'", Available at: <https://www.euronews.com/2018/04/13/russia-cultural-soft-power>, Accessed on: 13.04.2018.
 - Grigas, Agnia (2012), "Legacies, Coercion and Soft Power: Russian Influence In The Baltic States", *Chatham House Briefing Paper*. Accessed on: 14. August 2012.
 - Grix, Jonathan and Kramareva, Nina (2015), "The Sochi Winter Olympics and Russia's Unique Soft Power Strategy", *Sport in Society*, Published online: 11.08.2016.
 - Hamed, Hamid (2017), "Russia today: Moscow Terova Horses", Available At: <https://www.linkedin.com/Pulse>, Accessed on: 15.06.2018.
 - IPP (Institute for Public Policy) (2015), "Barometer of Public Opinion November", Chisinau, Moldova. Available at: http://www.ipp.md/public/file/Barometru/Brosura_BOP_11.2015_First_Part_ENGLISH_V1.pdf.
 - Kapanadze, Sergi (2015), "Russia's Soft Power in Georgia", in *The Different Faces Of Soft Power, The Baltic States and Eastern Neighborhood Between Russia and The EU*, Eds. Toms Rostoks and Andris Spruds, Riga: Latvian Institute of International Affairs.
 - Laruelle, Marlene (2015), "The Russian World: Russia's Soft Power and Geopolitical Imagination", *The Center on Global Interests*, Washington D.C. Accessed On: 7 May 2015.
 - Lough, John, Orysia Lutsevych, Peter Pomerantsev, Stanislav Secieru, and Anton Shekhovtsov. (2014), "Russian Influence Abroad: Non-State Actors and Propaganda", Chatham House, Russia and Eurasia Programme, Meeting Summary. London, Accessed on: October 24.
 - Machin, David And Theo Van Leeuwen. (2007), "Computer Games as Political Discourse: The Case of Black Hawk Down", in *The Soft Power Of War*, Ed. Lilie Chouliaraki, Amsterdam And Philadelphia, PA: John Benjamins Publishing Company.
 - Makarychev, Andrey (2018), "Beyond Geopolitics: Russian Soft Power, Conservatism, and Biopolitics", *Russian Journal*, Leiden, Published Online: 14 May 2018
 - Mastriano, Douglas, And Derek, O'Malley (2015), "Project 1704: A U.S. Army War College Analysis of Russian Strategy in Eastern Europe, an Appropriate U.S. Response and The Implications For U.S", Landpower. Carlisle, PA: Strategic Studies Institute, U.S. Army War College.

- MID.Ru (2013), "Concept of The Foreign Policy of The Russian Federation". Approved by President of The Russian Federation V. Putin on Ministry of Foreign Affairs, 12 February 2013.
- MID.Ru (2019), " Foreign Minister Sergey Lavrov's Remarks and Answers to Media Questions at a News Conference on The Results of Russian Diplomacy in 2018 Moscow", The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation, 16 January 2019.
- Mkhoyan, Anna (2017), "Soft power, Russia and The Former Soviet States: A Case Study of Russian language and Education in Armenia", *International Journal of Cultural Policy*, Vol. 23, No. 6, Published online: 16 Dec 2018.
- Naftogaz (2016), "In 2015, Ukraine Provided 63 Percent of Demand for Imported Gas Supplies from Europe", Available at:
[Http://www.Pravoslavie.ru/english/75996.htm](http://www.Pravoslavie.ru/english/75996.htm), Accessed on: 18 January 29.
- Patriarchia, Ru (2009), "The Speech by His Holiness Patriarch Kirill at The Opening of The Third Assembly of The Russian World",
[Http://www.Patriarchia.ru/db/text/928446.html](http://www.Patriarchia.ru/db/text/928446.html), Accessed on: 02.01.2018.
- Pravoslavie, Ru (2014), "Bishops Want More Autonomy for Moscow-Governed Belarusian Church", Available at:
[Http://www.Pravoslavie.ru/english/75996.htm](http://www.Pravoslavie.ru/english/75996.htm), Accessed on: 16 Dec 2018.
- Putin, Vladimir. (2012), "Russia and the Changing World", *Moskovskie Novosti*, Available at:
[Http://www.mn.ru/ Politics/20120227/312306749.Html](http://www.mn.ru/Politics/20120227/312306749.Html), Accessed on: 29.07.2018.
- Rak, Joanna (2017), "Russia, 'Near Abroad' and the West: Struggling With The Research Field of Geopolitical Cultures", Book Review Essay, Routledge Geopolitics. Published online: 10 Sep 2018.
- Razumkov Center (2014), "Socio-Political Conflict and The Church", Kiev. Available at: [Http://www.Razumkov.Org.Ua](http://www.Razumkov.Org.Ua).
- Rotaru, Vasile (2017), "Forced Attraction? Problems of Post-Communism", Vol. 65, No.1, Published online: 08 Agu 2018.
- Rotaru, Vasile. (2014), "The Eastern Partnership: A Turning Point in EU– Russia Relations?" Bucharest: Military Publishing House.
- Rukavishnikov, Vladimir (2011), "Russia's 'Soft Power' in The Putin Epoch", in *Russian Foreign Policy in The 21st Century*, Ed. Roger E. Kanet, New York: Palgrave Macmillan.
- Rutland, Peter and Andrei, Kazantsev (2016), "The Limits of Russia's 'Soft Power'", *Journal of Political Power*, Vol. 9, NO. 3, Published online: 21 Sep 2017.
- Ryzhkov, Vladimir (2015), "Russian Orthodox Church Facing Ukraine Split", *The Moscow Times*, Available at:

- <http://www.Ahemoscowtimes.com,opinion/Article/Russian-Orthodox-church-facing-ukraine-split/523690.html>, Accessed on: 11.04.2018.
- Sherr, James (2013), "Hard Diplomacy and Soft Coercion: Russia's Influence Abroad", *Royal Institute of International Affairs*.
 - Stent, Angela (2018), "Russia and Eurasia", *Survival*, Vol. 60, No. 4, Published online: 15 Jul 2018.
 - The American Interest (2018), "The Reality of Russian Soft Power", Available at:
<https://www.the-American-Interest.Com/2018/03/21/Putins-Soft-Power>, Accessed on: 15.06.2018.
 - Tsygankov, Andrei (2013), "Moscow's Soft Power Strategy", *Current History*, No. 112, Accessed on: 10.07.2018.
 - Wilson, Jeanne (2015), "Soft Power: A Comparison of Discourse and Practice in Russia and China", *Europe-Asia Studies*, Vol. 67, No. 8. Published online: 12 Dec 2016.